

مکالمه عربی در خرید و مطب دکتر العَرَبِيَّةُ فِي السُّوقِ وَعِنْدَ الطَّيِّبِ

پرسیدن قیمت، سایز و رنگ، چانه زدن در بازار سنتی، تعویض جنس، گفتن علائم بیماری به پزشک، گرفتن دارو از داروخانه و جمله‌های اضطراری؛ با اِعراب، تلفظ فارسی، ترجمه و نکته‌های آموزشی.



در این جزوه

۴ مکالمه کامل

۳۰ واژه کلیدی

اعضای بدن روی تصویر

رنگ‌ها (مذکر و مؤنث)

مرور ۵ الگوی پرکاربرد

کارت جیبی

تمرین با پاسخ

شماره‌های اورژانس کشورهای عربی

مجموعه سه جلدی: ۱. هتل و رستوران · ۲. فرودگاه و تاکسی · ۳. خرید و دکتر

پیش از شروع: پنج الگو که همه جا به کارتان می‌آید

اگر دو جزوه قبلی را خوانده‌اید، این‌ها را می‌شناسید. در خرید و مطب دکتر هم بیشتر جمله‌ها با همین پنج الگو ساخته می‌شوند؛ هر کدام را با یک مثال تازه تمرین کنید.

الگو	معنی	مثال در این جزوه	ترجمه
أُرِيدُ ...	می‌خواهم ...	أُرِيدُ قَمِيصًا أَيْضًا.	یک پیراهن سفید می‌خواهم.
عِنْدِي ...	... دارم	عِنْدِي صُدَاع.	سر درد دارم.
هَلْ عِنْدَكَ ...؟	... دارید؟	هَلْ عِنْدَكَ مَقَاسُ أَكْبَر؟	سایز بزرگ‌تر دارید؟
هَلْ يُمَكِّنُنِي ...؟	می‌توانم ...؟	هَلْ يُمَكِّنُنِي أَنْ أُجَرِّبَهُ؟	می‌توانم پرو کنم؟
كَمْ ...؟ / بِكَمْ؟	چند؟ چقدر؟	بِكَمْ هَذَا؟	این چند است؟

نکته آموزشی – یک جزء کوچک با کاربرد زیاد: «ي» یعنی «م»

• به آخر اسم «ي» اضافه کنید تا «مالِ من» شود: رَأْسٌ ← رَأْسِي (سر من)، بَطْنٌ ← بَطْنِي (شکم من)، حَقِيبَةٌ ← حَقِيبَتِي (کیف من؛ «ة» به «ت» تبدیل می‌شود).

• «لَكَ / لِي» یعنی «ت» (مال تو، مرد / زن): اِسْمُكَ؟ (اسمت؟). در مطب این را زیاد می‌شنوید.

۱ در خرید

التَّسَوُّقُ

از مغازه لباس در مرکز خرید تا بازار سنتی: سایز، رنگ، قیمت، چانه، پرداخت و تعویض.



عربی	تلفظ	معنی	در گویش خلیجی
سوق / مَرْكَزُ تِجَارِيٍّ	سوق / مَرْكَزُن تِجَارِي	بازار / مرکز خرید	مول: مول
مَحَلّ	مَحَلّ	مغازه	دُگان: دُگان
كَمِ السَّعْر؟ / بِكَمْ؟	گَمَسِ سِعر؟ / بِگَم؟	قیمتش چند است؟	بِچَم؟ (کویت، عراق)
غال / رَخِیص	غالی / رَخِیص	گران / ارزان	—
خَصْم / تَخْفِیضَات	خَصْم / تَخْفِیضَات	تخفیف / حراج	—
مَقَاس	مَقَاس	سایز	قِیاس: قِیاس
كَبِیر / صَغِير / وَسَط	گَبِیر / صَغِير / وَسَط	بزرگ / کوچک / متوسط	—
عُرْفَةُ الْقِیَاس	عُرْفَتُل قِیَاس	اتاق پرو	—
أَجْرَبُ	أَجْرَبُ	امتحان می‌کنم، پرو می‌کنم	—
مَلَابِس	مَلَابِس	لباس‌ها	هُدوم: هُدم
نَقْدًا / بِالْبِطَاقَةِ	نَقْدَن / بِلِبطَاقه	نقدی / با کارت	کاش: کاش
فَاتُورَة / إِیصال	فاتوره / ایصال	فاکتور / رسید	—
تَبْدِيل / إِسْتِرْجَاع	تَبْدِيل / إِسْتِرْجَاع	تعویض / پس دادن (برگشت پول)	—
کِیس	کِیس	کیسه، ساک خرید	—
آخِرُ سِعر؟	آخِرُ سِعر؟	آخرین قیمت؟ (برای چانه زدن)	—

مکالمه ۱

مکالمه ۱ – مغازه لباس در مرکز خرید. شما یک پیراهن سفید برای روزهای کاری می‌خواهید.

أَهْلًا، أَيُّ خِدْمَةٍ؟

فروشنده

تلفظ: أهلا، أيُّ خِدمه؟
ترجمه: سلام، امری دارید؟

أُرِيدُ قَمِيصًا أبيضَ، مَقَاسَ كَبِير.

شما

تلفظ: أُرِيدُ قَمِيصَن أبيضَ، مَقَاسَ كَبِير.
ترجمه: یک پیراهن سفید می‌خواهم، سایز بزرگ.

تَفَضَّلْ، هَذَا قُطْنٌ مِثْلُ مِئَةِ بِالمِئَةِ.

فروشنده

تلفظ: تَفَضَّلْ، هَذَا قُطْنٌ، مِثْلُ مِئَةِ بِالمِئَةِ.
ترجمه: بفرمایید، این صددرصد نخی است.

هَلْ يُمْكِنُنِي أَنْ أَجْرِبَهُ؟

شما

تلفظ: هَلْ يُمْكِنُنِي أَنْ أَجْرِبَهُ؟
ترجمه: می‌توانم پرو کنم؟

طَبْعاً، غُرْفَةُ الْقِيَّاسِ هُنَاكَ.

فروشنده

تلفظ: طَبْعَن، غُرْفَتُل قِيَّاسِي هُنَاكَ.

ترجمه: البته، اتاق پرو آنجاست.

صَغِيرٌ قَلِيلاً. هَلْ عِنْدَكَ مَقَاسٌ أَكْبَرُ؟

شما

تلفظ: صَغِيرٌ قَلِيلاً. هَلْ عِنْدَكَ مَقَاسٌ أَكْبَرُ؟

ترجمه: (بعد از پرو) کمی کوچک است. سایز بزرگ‌تر دارید؟

نَعَمْ، تَفَضَّلْ. وَعِنْدَنَا نَفْسُ الْمَوَدِيلِ بِاللَّوْنِ الْأَزْرَقِ.

فروشنده

تلفظ: نَعَمْ، تَفَضَّلْ. وَ عِنْدَنَا نَفْسُ مَوَدِيلِ بِلِ لَوْنِ اَزْرَقِ.

ترجمه: بله، بفرمایید. همین مدل را به رنگ آبی هم داریم.

هَذَا مُمْتَازٌ. كَمْ السَّعْرُ؟

شما

تلفظ: هَذَا مُمْتَازٌ. كَمْ سَعْرُ سَعْرٍ؟

ترجمه: این عالی است. قیمتش چند است؟

مِئَةٌ وَعِشْرُونَ دِرْهَمًا.

فروشنده

تلفظ: مِئَةٌ وَ عِشْرُونَ دِرْهَمًا.

ترجمه: صد و بیست درهم.

السَّعْرُ مُرْتَفِعٌ قَلِيلاً! هَلْ هُنَاكَ خَصْمٌ؟

شما

تلفظ: اَسْ سَعْرُ مُرْتَفِعٌ قَلِيلاً! هَلْ هُنَاكَ خَصْمٌ؟

ترجمه: قیمتش کمی بالاست! تخفیف دارد؟

خَصْمٌ عَشْرَةَ بِالمِئَةِ؛ يَصِيرُ ١٠٨.

فروشنده

تلفظ: خَصْمٌ عَشْرَتَيْنِ بِلِ مِئَةٍ؛ يَصِيرُ مِئَةٌ وَ ثَمَانِيَةٍ.

ترجمه: ده درصد تخفیف؛ می‌شود ۱۰۸.

طَيِّبٌ، آخُذْهُ. بِالْبِطَاقَةِ، مِنْ فَضْلِكَ.

شما

تلفظ: طَيِّبٌ، آخُذْهُ. بِلِ بِطَاقَةٍ، مِنْ فَضْلِكَ.

ترجمه: باشه، می‌خرمش. با کارت، لطفاً.

نکته آموزشی – رنگ و جنسیت؛ «آخُذْهُ»

- رنگ‌ها در عربی مذکر و مؤنث دارند و باید با اسم بخوانند: قَيْصٌ أَيْضٌ (پیراهن سفید) ولی حَقِيَّةٌ بَيْضَاءُ (کیف سفید). بیشتر اسم‌هایی که به «ة» ختم می‌شوند مؤنث‌اند. جدول رنگ‌ها را در همین بخش ببینید.
- آخُذْهُ یعنی «برش می‌دارم»؛ رایج‌ترین راه گفتن «می‌خرمش» است. له یعنی «آن را».
- برای مقایسه، وزن أَفْعَلْ را به کار ببرید: كَبِيرٌ ← أَكْبَرُ (بزرگ‌تر)، صَغِيرٌ ← أَصْغَرُ (کوچک‌تر)، رَخِيصٌ ← أَرْخَصُ (ارزان‌تر).

رنگ‌ها: مذکر و مؤنث

رنگ	مذکر	مؤنث	مثال
 سفید	أَبْيَضَ	بَيْضَاءَ	فَيْصُ أَبْيَضَ / سَيَّارَةٌ بَيْضَاءَ
 مشکی	أَسْوَدَ	سَوْدَاءَ	حِذَاءُ أَسْوَدَ / حَقِيَّةٌ سَوْدَاءَ
 قرمز	أَحْمَرَ	حَمْرَاءَ	قَلَمٌ أَحْمَرُ / وَرْدَةٌ حَمْرَاءَ
 آبی	أَزْرَقَ	زَرْقَاءَ	بَنْطَالٌ أَزْرَقَ / سَمَاءٌ زَرْقَاءَ
 سبز	أَخْضَرَ	خَضْرَاءَ	شَايٌ أَخْضَرَ / حَدِيقَةٌ خَضْرَاءَ
 زرد	أَصْفَرَ	صَفْرَاءَ	لَيْمُونٌ أَصْفَرُ / وَرَقَةٌ صَفْرَاءَ

مکالمه ۲

مکالمه ۲ – چانه زدن در بازار سنتی، و تعویض جنس. در بازار خرما می‌خرید؛ فردا هم پیراهن را برای تعویض برمی‌گردانید.

شما	بَكْرٌ يَكِلُو التَّمْرَ؟ تلفظ: بَگم کیلوت تَمَر؟ ترجمه: کیلویی خرما چند است؟
فروشنده	خَمْسُونَ دِرْهَمًا. تلفظ: خَمْسُونَ دِرْهَمًا. ترجمه: پنجاه درهم.
شما	غَالٍ! آخِرُ سَعْرٍ؟ تلفظ: غَالِي! آخِرُ سَعْرٍ؟ ترجمه: گران است! آخرش چند؟
فروشنده	لَا جَلَّكَ، أَرْبَعُونَ. تلفظ: لَا جَلَّكَ، أَرْبَعُونَ. ترجمه: به خاطر شما، چهل.
شما	أَخَذُ كَيْلَوَيْنِ بِسَبْعِينَ؟ تلفظ: أَخَذُ كَيْلَوَيْنِ بِسَبْعِينَ؟ ترجمه: دو کیلو بخرم هفتاد؟
فروشنده	تَمَامٌ، اتَّفَقْنَا. تلفظ: تَمَامٌ، اتَّفَقْنَا. ترجمه: باشه، قبول.
شما	أُرِيدُ تَبْدِيلَ هَذَا الْقَمِيصِ؛ الْمَقَاسُ غَيْرُ مُنَاسِبٍ. تلفظ: أُرِيدُ تَبْدِيلَ هَذَا الْقَمِيصِ؛ الْمَقَاسُ غَيْرُ مُنَاسِبٍ. ترجمه: (فردا در مغازه لباس) می‌خواهم این پیراهن را عوض کنم؛ سایزش مناسب نیست.

هل معك الفاتورة؟

فروشنده

تلفظ: هل معك فاتوره؟

ترجمه: فاکتور همراهتان است؟

نعم، تفضل.

شما

تلفظ: نعم، تفضل.

ترجمه: بله، بفرمایید.

يُمكن التَّبدِيل، لَكِنْ لَا يُمكنُ الاسْتِرجاع.

فروشنده

تلفظ: يُمكنُ تَبْدِيل، لَكِنْ لَا يُمكنُ اسْتِرجاع.

ترجمه: تعویض ممکن است، ولی پس دادن و برگشت پول نه.

اشتباه رایج فارسی‌زبان‌ها – تخفیف، قیمت، جنس، لباس

- تخفیف در عربی یعنی «سبک کردن، کم کردن شدت». برای تخفیف قیمت بگویید خَصْم؛ «حراج» می‌شود تخفیضات.
- قِیمَة = ارزش؛ قیمت = سِعْر.
- جِنْس در عربی یعنی «نوع، جنسیت». برای «جنسش چیست؟» بپرسید ما نَوْعُ القُماش؟ (نوع پارچه‌اش چیست؟).
- برای لباس بگویید مَلَأْس؛ لباس در بعضی گویش‌ها معنی «لباس زیر» هم می‌دهد.

فرهنگ و آداب – کجا چانه بزنیم؟

- در بازارهای سنتی (طلا، ادویه، پارچه، سوغاتی) چانه زدن عادی است؛ با لبخند شروع کنید و قیمتی حدود نصف یا دوسوم پیشنهاد بدهید.
- در مراکز خرید، سوپرمارکت و داروخانه قیمت ثابت است؛ فقط بپرسید هل هُنَاكَ عَرَض؟ (پیشنهاد ویژه دارید؟).
- در امارات روی فاکتورها بندی به نام ضَرِیَّةُ القِیمَةِ المَضَافَةِ (مالیات بر ارزش افزوده، ۵ درصد) می‌بینید.
- تمام مثل فارسی یعنی «باشه، اوکی»؛ در همه گویش‌های عربی رایج است.

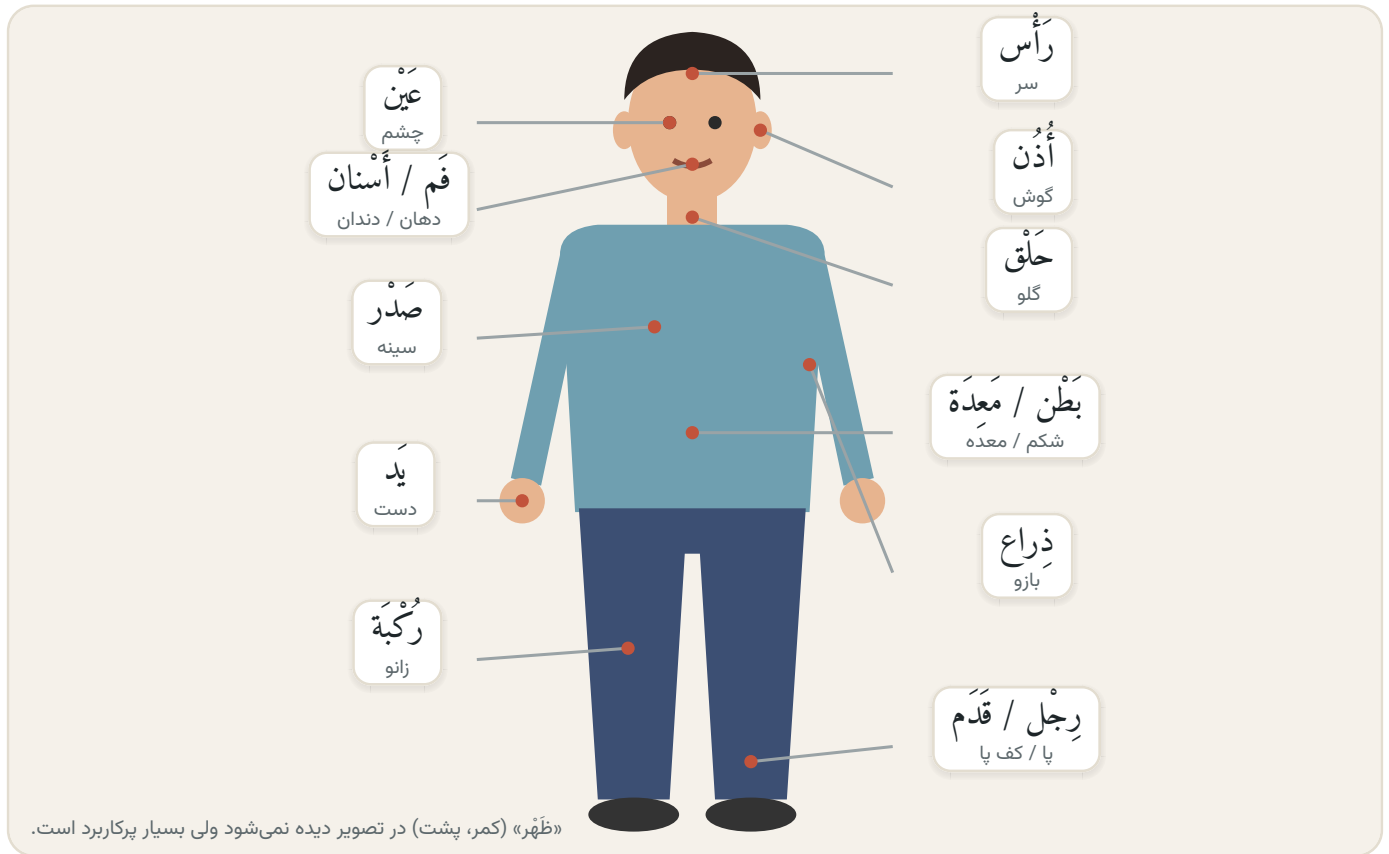
جمله‌های آماده برای خرید

بِکَمْ هَذَا؟	بِکَمْ هَذَا؟	این چند است؟
هَلْ عِنْدَكَ لَوْنٌ آخَرُ؟	هَلْ عِنْدَكَ لَوْنٌ آخَرُ؟	رنگ دیگری دارید؟
أُرِيدُ مَقَاساً أَصْغَرَ.	أُرِيدُ مَقَاسَنَ أَصْغَرَ.	سایز کوچک‌تری می‌خواهم.
أَيْنَ غُرْفَةُ الْقِيَاسِ؟	أَيْنَ غُرْفَتُ الْقِيَاسِ؟	اتاق پرو کجاست؟
أَنَا أَتَفَرَّجُ فَقَطْ، شُكْرًا.	أَنَا أَتَفَرَّجُ فَقَطْ، شُكْرًا.	فقط نگاه می‌کنم، ممنون.
هَلْ يُمكنُنِي الدَّفْعُ نَقْدًا؟	هَلْ يُمكنُنِي الدَّفْعُ نَقْدًا؟	می‌توانم نقدی بپردازم؟
أَعْطِنِي كَيْسًا، مِنْ فَضْلِكَ.	أَعْطِنِي كَيْسَنَ، مِنْ فَضْلِكَ.	یک کیسه بدهید، لطفاً.
أَيْنَ أَقْرَبُ سُوپرْمَارْكَتْ؟	أَيْنَ أَقْرَبُ سُوپرْمَارْكَتْ؟	نزدیک‌ترین سوپرمارکت کجاست؟

۲ نزد پزشک و در داروخانه

عِنْدَ الطَّبِيبِ وَفِي الصِّدْلِيَّةِ

اعضای بدن را روی تصویر یاد بگیرید، بعد علائم را بگویید، دستور دارو را بفهمید و در موقعیت اضطراری کمک بخواهید.



واژه‌های کلیدی

عربی	تلفظ	معنی	در گویش خلیجی
طَبِيب / دُکُتور	طَبِيب / دُکُتور	پزشک	—
مُسْتَشْفَى	مُسْتَشْفَا	بیمارستان	—
عِيَادَة	عِيَادَة	درمانگاه، مطب	—
صِيْدْلِيَّة	صِيْدْلِيَّة	داروخانه	—
مَوْعِد	مَوْعِد	وقت ملاقات، نوبت	—
أَلَم / وَجَع	أَلَم / وَجَع	درد	—
صُدَاع	صُدَاع	سردرد	—
حَرَارَة / حُمَّى	حَرَارَة / حُمَّى	تب	—
سُعَال	سُعَال	سرفه	كُحَّة: كُحَّة
زُكَام	زُكَام	سرماخوردگی	—

دَوَخَة / غَثِيَان	دَوَخَه / غَثِيَان	سرگیجه / حالت تهوع	—
حَسَاسِيَّة	حَسَاسِيَّة	حساسیت	—
وَصْفَة طَبِيَّة	وَصْفَة طَبِيَّة	نسخه پزشک	—
دَوَاء / حُبُوب	دَوَاء / حُبُوب	دارو / قرص	—
إِبْرَة	إِبْرَة	آمپول	—
تَأْمِين صِحِّي	تَأْمِين صِحِّي	بیمه درمانی	—

مکالمه ۳

مکالمه ۳ — در مطب. دو روز است سردرد، تب و گلودرد دارید و از قبل وقت گرفته‌اید.

عِنْدِي مَوْعِدٌ مَعَ الدُّكْتُورِ سَعِيدِ السَّاعَةِ الْعَاشِرَةِ.

شما

تلفظ: عِنْدِي مَوْعِدٌ مَعْدُوكْتُورِ سَعِيدِ أَسْ سَاعَتِلْ عَاشِرَه.
ترجمه: (به منشی) ساعت ده با دکتر سعید وقت دارم.

إِسْمُكَ وَبِطَاقَةُ التَّأْمِينِ، مِنْ فَضْلِكَ.

منشی / پزشک

تلفظ: إِسْمُكَ وَبِطَاقَتُ تَأْمِينِ، مِنْ فَضْلِكَ.
ترجمه: اسمتان و کارت بیمه، لطفاً.

تَفَضَّلْ اجْلِسْ، سَنُنَادِيكَ بَعْدَ قَلِيلٍ.

منشی / پزشک

تلفظ: تَفَضَّلْ جَلِسْ، سَنُنَادِيكَ بَعْدَ قَلِيلٍ.
ترجمه: بفرمایید بنشینید، کمی بعد صداپتان می‌کنیم.

مَا الْمُسْكَةُ؟ بِمَ تَشْعُرُ؟

منشی / پزشک

تلفظ: مَا لِمُسْكَه؟ بِمَ تَشْعُرُ؟
ترجمه: (پزشک) مشکل چیست؟ چه احساسی دارید؟

عِنْدِي صُدَاعٌ وَحَرَارَةٌ، وَحَلْقِي يُؤَلِّمُنِي.

شما

تلفظ: عِنْدِي صُدَاعٌ وَحَرَارَةٌ، وَحَلْقِي يُؤَلِّمُنِي.
ترجمه: سردرد و تب دارم، و گلویم درد می‌کند.

مَنْذُ مَتَى؟

منشی / پزشک

تلفظ: مَنْذُ مَتَا؟
ترجمه: از کی؟

مَنْذُ يَوْمَيْنِ.

شما

تلفظ: مَنْذُ يَوْمَيْنِ.
ترجمه: از دو روز پیش.

هَلْ عِنْدَكَ حَسَاسِيَّةٌ مِنْ أَيِّ دَوَاءٍ؟

منشی / پزشک

تلفظ: هَلْ عِنْدَكَ حَسَاسِيَّةٌ مِنْ أَيِّ دَوَاءٍ؟
ترجمه: به دارویی حساسیت دارید؟

نَعَمْ، عِنْدِي حَسَاسِيَّةٌ مِنَ الْبِنْسَلِينِ.

شما

تلفظ: نَعَمْ، عِنْدِي حَسَاسِيَّةٌ مِثْلَ بِنْسَلِينِ.
ترجمه: بله، به پنی‌سیلین حساسیت دارم.

منشی / پزشک حَسَنًا. افْتَحْ فَمَكَ... عِنْدَكَ التَّهَابُ فِي الْحَلَقِ.

تلفظ: حَسَنَنْ. افْتَحْ فَمَكَ... عِنْدَكَ تَهَابٌ فِي الْحَلَقِ.

ترجمه: خب. دهانتان را باز کنید... گلویتان ملتهب است.

منشی / پزشک سَأَكْتُبُ لَكَ دَوَاءً. اشْرَبْ مَاءً كَثِيرًا وَارْتَحِ يَوْمَيْنِ.

تلفظ: سَأَكْتُبُ لَكَ دَوَاءً. اشْرَبْ مَاءً كَثِيرًا وَارْتَحِ يَوْمَيْنِ.

ترجمه: برایتان دارو می نویسم. زیاد آب بنوشید و دو روز استراحت کنید.

شما هَلْ يُمْكِنُكَ أَنْ تُعْطِنِي تَقْرِيرًا طَبِيبًا لِلْعَمَلِ؟

تلفظ: هَلْ يُمْكِنُكَ أَنْ تُعْطِنِي تَقْرِيرًا طَبِيبًا لِلْعَمَلِ؟

ترجمه: می توانید برای محل کارم گواهی پزشکی بدهید؟

منشی / پزشک نَعَمْ، لِيَوْمَيْنِ.

تلفظ: نَعَمْ، لِيَوْمَيْنِ.

ترجمه: بله، برای دو روز.

نکته آموزشی – گفتن علائم به پزشک

• عضو + يُولِيْ = «... درد می کند»: رَأْسِي يُولِيْ (سر درد می کند)، ظَهْرِي يُولِيْ (کمر درد می کند). شکل دیگر: عِنْدِي الْمَرُّ فِي ... (در ... درد دارم).

• عِنْدِي + نام بیماری یا علامت: عِنْدِي حَرَارَةٌ / سَعَالٌ / زُكَامٌ.

• مِنْذُ + زمان = «از ... پیش، به مدت ...»: مِنْذُ يَوْمَيْنِ، مِنْذُ أُسْبُوعٍ (از یک هفته پیش).

• پزشک با فعل امر می زند: افْتَحْ (باز کن)، تَنَفَّسْ (نفس بکش)، اسْتَلِقْ (دراز بکش).

مکالمه ۴

مکالمه ۴ – در داروخانه. نسخه را به داروساز می دهید.

شما السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، هَذِهِ الْوَصْفَةُ، مِنْ فَضْلِكَ.

تلفظ: أَسْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ، هَازِهِلْ وَصْفَه، مِنْ فَضْلِكَ.

ترجمه: سلام، این نسخه، لطفاً.

داروساز لَحْظَةً... هَذَا مُسَكِّنٌ وَخَافِضٌ لِلْحَرَارَةِ: حَبَّةٌ كُلُّ ثَمَانِي سَاعَاتٍ، بَعْدَ الْأَكْلِ.

تلفظ: لَحْظَه... هَازَا مُسَكِّنٌ وَخَافِضٌ لِلْحَرَارَةِ: حَبَّةٌ كُلُّ ثَمَانِي سَاعَاتٍ، بَعْدَ الْأَكْلِ.

ترجمه: یک لحظه... این مسکن و تب بر است: هر هشت ساعت یک قرص، بعد از غذا.

شما هَلْ يَسَبِّبُ النَّعَاسُ؟

تلفظ: هَلْ يُسَبِّبُ نَعَاسٌ؟

ترجمه: خواب آور است؟

داروساز لَا، لَكِنْ لَا تَأْخُذْهُ عَلَى مَعْدَةِ فَارِغَةٍ.

تلفظ: لَا، لَآكِنْ لَا تَأْخُذْهُ عَلَا مَعْدَتِنِ فَارِغَةً.

ترجمه: نه، ولی با معده خالی نخورید.

شما كَمْ الْحِسَابِ؟

تلفظ: كَمَلِ حِسَابٍ؟

ترجمه: چقدر می شود؟

خَمْسَةَ وَعِشْرُونَ دِرْهَمًا، سَلَامَتَكَ!

تلفظ: خَمْسَتُنْ وَ عِشْرُونْ دِرْهَمًا. سَلَامَتَكَ!

ترجمه: بیست و پنج درهم. بلا دور باشد!

اللَّهُ يَسْلِمُكَ.

تلفظ: آلله يُسَلِّمُكَ.

ترجمه: خدا شما را سلامت بدارد.

نکته آموزشی – دستور مصرف دارو را بفهمید

- حَبَّةٌ = یک قرص؛ مَرَّتَيْنِ فِي الْيَوْمِ = روزی دو بار؛ كُلَّ ثَمَانِي سَاعَاتٍ = هر هشت ساعت.
- قَبْلَ الْأَكْلِ / بَعْدَ الْأَكْلِ = قبل / بعد از غذا؛ عَلَى مَعْدَةِ فَارِغَةٍ = با معده خالی.
- نَهَى (امر منفی) = لا + مضارع: لا تَأْخُذْهُ (آن را نخور)، لا تَقْدِ السَّيَّارَةَ (رانندگی نکن).
- به بیمار می‌گویند سَلَامَتَكَ (برای خانم: سَلَامَتِكَ)؛ یعنی «بلا دور باشد». جواب: اللَّهُ يَسْلِمُكَ.

اشتباه رایج فارسی‌زبان‌ها – نوبت، نسخه، عمل، فشار

- نَوْبَةٌ در عربی یعنی «حمله، تشنج» (نَوْبَةٌ قَلْبِيَّةٌ = سکت قلبی)؛ برای «نوبت دکتر» بگویید مَوْعِدٌ و برای «نوبت در صف» دَوْرٌ.
- نُسخَةٌ یعنی «کپی، نسخه چاپی». نسخه پزشک = وَصْفَةٌ.
- عَمَلٌ یعنی «کار». جراحی = عَمَلِيَّةٌ.
- فَشار خُونٍ = ضَغْطُ الدَّمِ. عِنْدِي ضَغْطٌ یعنی «فشار خون بالا دارم».

در گویش خلیجی

در امارات، کویت و عراق به جای یُولْمِنِي بیشتر می‌شنوید یَعَوْرِنِي: رَاسِي یَعَوْرِنِي (سرم درد می‌کند)، بَطْنِي یَعَوْرِنِي (شکم درد می‌کند). «آمپول» را اِبْرَةٌ و «سرفه» را كُحَّةٌ می‌گویند.

فرهنگ و آداب – مراقبت درمانی برای مهاجر

- در امارات بیمه درمانی کارکنان بخش خصوصی بر عهده کارفرماست؛ کارت بیمه و کارت اقامت را همیشه همراه داشته باشید.
- آنتی‌بیوتیک و بسیاری از داروهایی که در ایران بی‌نسخه فروخته می‌شوند، در کشورهای خلیج فارس نسخه لازم دارند.
- اگر داروی دائمی مصرف می‌کنید، نام علمی آن را (نه نام تجاری ایرانی) به همراه نسخه ترجمه‌شده داشته باشید.

شماره‌های اضطراری و جمله‌های نجات

کشور	پلیس	آمبولانس	کشور	پلیس	آمبولانس
امارات	۹۹۹	۹۹۸	عربستان	۹۱۱	۹۹۷
قطر	۹۹۹ (همه خدمات)		بحرین	۹۹۹ (همه خدمات)	
کویت	۱۱۲ (همه خدمات)		عمان	۹۹۹۹ (همه خدمات)	
عراق	۱۰۴	۱۲۲	پیش از سفر، شماره کشور مقصد را در گوشی ذخیره کنید.		

النجدة!	آن نَجده!	کمک!
أطلبوا الإسعاف!	أطلبُ الإسعاف!	آمبولانس خبر کنید!
هذه حالة طارئة.	هاذِهِ حَالَتون طارئة.	این یک مورد اورژانسی است.
أين أقرب مستشفى؟	أينَ أَقربُ مُستشفى؟	نزدیک‌ترین بیمارستان کجاست؟
لا أستطيع التنفس.	لا أَستطيعُ تَنفُّس.	نمی‌توانم نفس بکشم.
عندي ألم شديد في صدري.	عِندي أَلَمٌ شَدِيدٌ في صَدري.	درد شدیدی در سینه‌ام دارم.

۳ تمرین و کارت جیبی

تَمارین

تمرین الف – شکل درست رنگ را انتخاب کنید

۱. حَقِیة (أَسْوَد / سَوْداء)

۲. قَیص (أَبْیَض / بَیضاء)

۳. سَیارة (أَحْمَر / حَمراء)

تمرین ب – به پزشک بگویید

۱. کمرم درد می‌کند.

۲. از سه روز پیش سرفه دارم.

۳. به پنی‌سیلین حساسیت دارم.

تمرین ج – معنی درست کدام است؟

۱. مَوْعد: الف) نوبت دکتر ب) تشنج

۲. خَصَم: الف) دشمن فروشنده ب) تخفیف

۳. وَصْفَة: الف) نسخه پزشک ب) توصیف ظاهر

پاسخ‌ها

الف: ۱. سَوْداء ۲. أَبْیَض ۳. حَمراء
ب: ۱. ظَهري يُؤلِّني ۲. عِندي سَعالٌ مُنذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۳. عِندي حَساسِيَّةٌ مِنَ البَنِسلين.
ج: ۱-الف، ۲-ب، ۳-الف

از این کادر عکس بگیرید و در گوشی نگه دارید

این چند است؟	بِگَم هَاذَا؟
تخفیف دارد؟	هَلْ هُنَاكَ خَصْمٌ؟
می‌توانم پرو کنم؟	هَلْ يُمَكِّنُنِي أَنْ أُجَرِّبَهُ؟
سایز بزرگ‌تر دارید؟	هَلْ عِنْدَكَ مَقَاسٌ أَكْبَرُ؟
می‌خواهم این را عوض کنم.	أُرِيدُ تَبْدِيلَ هَذَا.
با پزشک وقت دارم.	عِنْدِي مَوْعِدٌ مَعَ الطَّيِّبِ.
سرم درد می‌کند.	رَأْسِي يُؤَلِّمُنِي.
از دو روز پیش تب دارم.	عِنْدِي حَرَارَةٌ مُنْذُ يَوْمَيْنِ.
به ... حساسیت دارم.	عِنْدِي حَسَاسِيَّةٌ مِنْ ...
نزدیک‌ترین داروخانه کجاست؟	أَيْنَ أَقْرَبُ صَيْدَلِيَّةٍ؟